

Writing Problems and to be abolished the Uyghur alphabet in Iran

With a look at the thesis "Uyghur writing etiquette from the 9th century AH"

*Saeid Khoddari Naeini*<sup>1</sup>

(DOI): [10.22034/SKH.2022.12625.1271](https://doi.org/10.22034/SKH.2022.12625.1271)

**Abstract**

**Original Article**

*P 143 - 168*

The Uyghur script was used in Iran from the 7th to the 9th century in governmental correspondence, writing manuscripts and documents. Despite its importance for the rulers and court system, limited and often precious copies of this script have been left. But, this fact that: why there are few written works in Uyghur script, or what could be the reasons for its early decline, has not been studied yet. In this research, by using the method of historical analysis and cognitive text, the Uyghur alphabet and its writing style and the problems of writing with it are discussed. While introducing a unique historical thesis, it is assumed that the incompleteness of the Uyghur alphabet, as it does not have an equivalent for some letters of the alphabet and is forced to use the same symbol for several letters of the Persian/Arabic alphabet, are among the main reasons for overthrow of this script in Iranian civilization. The appearance of the Nasta'liq script and the overthrow of the Teimorans in Iran are also other factors of to be abandoned of this script in Iran.

**Keywords:** : Uyghur alphabet, writing etiquette, calligraphy, manuscripts, Teimurid period, thesis on Turkish script.

---

1 - Department of Museum Studies, University of Arts, Tehran, Iran, [khoddari@gmail.com](mailto:khoddari@gmail.com)

Received: 2021/12/29 | Accepted: 2022/02/19



## مشکلات نگارشی و برافتادن الفبای اویغوری در ایران " با نگاهی به

### رساله‌ی آداب نگارش اویغوری از سده‌ی نهم هجری "

سعید خودداری نایینی<sup>۱</sup>

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/SKH.2022.12625.1271](https://doi.org/10.22034/SKH.2022.12625.1271)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چکیده

ص: ۱۶۸/۱۴۳  
خط اویغوری از سده‌ی هفتم تا نهم هجری در ایران، در مکاتبات دیوانی، کتابت نسخه‌ها و اسناد استفاده می‌شد. با وجود اهمیت آن برای حاکمان و دستگاه دیوانی داشت، از این خط، نسخه‌های محدود و غالباً نفیسی به جای مانده است. اما این که چرا آثار مکتوب کمی به خط اویغوری به جای مانده و یا عوامل زوال زودهنگام آن چه می‌توانسته باشد، هنوز مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته است. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل تاریخی و متن شناختی، به بررسی الفبای اویغوری و نیز شیوه‌ی نگارش آن و همچنین مشکلات نگارش با این خط پرداخته می‌شود و ضمن معرفی یک رساله‌ی منحصر به فرد تاریخی، این فرض مطرح می‌شود که کامل نبودن الفبای اویغوری، به صورتی که برای برخی از حروف الفبا معادلی ندارد و مجبور به استفاده‌ی مشترک از یک علامت برای چند حرف الفبای فارسی/عربی است، از دلایل اصلی انقراض این خط وارد شده به تمدن ایرانی است. ظهور خط نستعلیق و انقراض تیموریان در ایران نیز از دیگر عوامل متروک شدن این خط در ایران است.

**واژگان کلیدی:** الفبای اویغوری، آداب نگارش، خط و خوشنویسی، نسخه‌های خطی، دوره‌ی تیموری، رساله خط ترکی

<sup>۱</sup> - گروه مطالعات موزه دانشگاه هنر، تهران، ایران، [khoddari@gmail.com](mailto:khoddari@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰



مقدمه

در تاریخ ایران در دوره‌ی اسلامی نسخه‌های خطی بسیاری تهیه شده که متأثر از حیات فرهنگی دوره‌ی خود بوده‌است. نسخه‌هایی به خط پهلوی، نسخه‌های با الفبای عربی و متن عبری (درایتی، ۱۳۹۰: ۴۰۸/۱۶، کتابخانه‌ی مرعشی نسخه‌ی شماره ۳/۱۳۸۰۹) و یا نسخه‌های با الفبای ارمنی و زبان فارسی. پس از رسمیت یافتن نگارش به خط عربی آرام آرام اقوام مختلف به تطبیق این الفبا با زبان‌های خود پرداختند و حروفی به تناسب نیازهای زبانی در ایران، چین و آفریقا با تغییراتی در



**تصویر ۱:** سکه نقره غازان محمود، مورخ ۷۰۱ق، ضرب بغداد، با نوشته عربی و اویغوری، متعلق به مجموعه دیوید، دانمارک، شماره‌ی. ۷۳۲. c

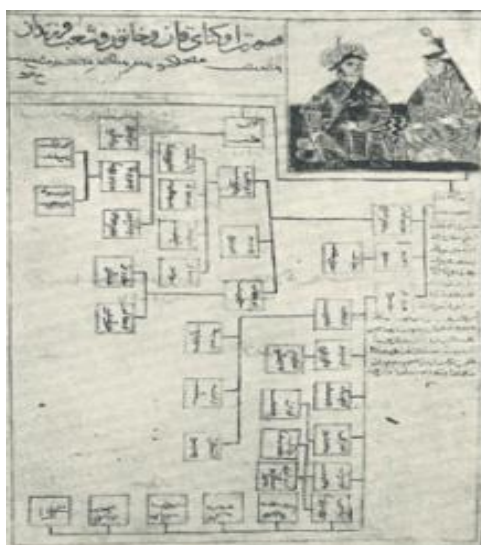
الفبای عربی به وجود آمد. اما گاهی نیز خطوط تازه‌ای به فرهنگ ایرانی وارد شده است. پس از حمله‌ی مغول به ایران، خطوط تازه‌ای به خط‌های قبلی افزوده شد. در این میان، خط اویغوری با زبان مغولی و پس از آن با ترکی خوارزمی/شرقی به نگارش‌های ایرانی هم راه یافت، خطی

که با آن "توقیع‌ها، مرسوم‌ها، منشورها، مکاتبات، دفاتر و مخازیم، تواریخ اشعار قصص، اخبار، سجات، اسفار و دیگر امور دیوانی و نیز تورات چنگیز خانی را می‌نویسند" (ابن عربشاه، خطی، شماره‌ی ۱۵۰۹س، ص ۲۵۷) و خط رسمی اردوی زرین بود و از طریق ممالیک به مصر هم راه یافت. در نیمه‌ی نخست سده‌ی هشتم هجری قلقشندی از منشیانی یاد کرده‌است که مکاتبات مملوک‌های مصر را به زبان مغولی و خط اویغوری انجام می‌دادند (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۲: ۳۴۳۳/۱).

متن کتاب‌های ایرانی که به خط اویغوری باقی مانده، اغلب شبیه به هم است و این متون منظوم یا منثور، دارای موضوعات عرفانی و یا دینی است. البته نسخه‌های با موضوعات دیگر نیز در متون تاریخی یاد شده‌اند. در ۸۷۸ (ق.ه) سلطان محمد فاتح ظفرنامه‌ای برای اوزون حسن فرستاد (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۲: ۷۱۰۴/۱) شاعری به نام لطفی، مثنوی "گل و نوروز" جلال الدین طیب و "ظفرنامه" شرف الدین علی یزدی را به ترکی جغتایی ترجمه کرد (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۲: ۵۸۹۵/۱۵) اما خط نگارش این نسخه‌ها مشخص نشده است. ضرب سکه‌هایی به خط اویغوری در بغداد، نشان از حضور کاتبان اویغوری در مناطق غربی ایران در سده‌ی هشتم دارد (تصویر ۱).

در این نوشتار، تلاش می‌شود با بازخوانی برخی از این متون، به مشکلات نگارشی و خوانشی این خط که به باور نگارنده یکی از مهم‌ترین علل زوال آن در ایران بوده‌است، پرداخته شود. امروزه این خط، همچنان در کشور مغولستان به صورت محدود و در کنار خط "سیریلیک" استفاده می‌شود و دولت آن کشور، به دنبال احیای آن است.<sup>۱</sup>

### پیشینه پژوهش



در مورد خط اویغوری و جزییات نگارشی آن، چند پژوهش بر نسخه‌های نوشته شده به خط اویغوری، انجام شده است. دوکورتی<sup>۲</sup> نسخه‌ی معراج‌نامه در کتابخانه‌ی فرانسه را به الفبای عربی و همراه ترجمه‌ی فرانسوی منتشر کرده و در مقدمه به برخی از ویژگی‌های آن پرداخته است (۱۸۸۲). کلاوسن نیز در کنار کتاب مستقلی که درباره‌ی زبان‌های باستانی ترکی نوشت (۱۹۷۲) نسخه‌ی "جنگ یزد" را در مقاله‌ای معرفی کرد و به بازشناسی متن آن پرداخت (۱۹۲۸). ترابی طباطبایی نمونه‌های خط اویغوری روی سکه‌های ایلخانی را با استفاده از منابع غربی بازنویسی کرد (۱۳۵۱). نگارنده نیز پیشتر برخی از نسخه‌های را که به خط اویغوری نگاشته شده‌اند معرفی کرده‌است (خودداری نایینی، ۱۳۹۹) به غیر از نسخه‌ای از جامع‌التواریخ رشیدی (تصویر ۲)، ماتسومی در پژوهشی بر روی غوتادغو بیلک بدون

**تصویر ۲:** طرح شجره نامه فارسی و اویغوری، اوکتای قآن و خاتون و شعب فرزندان. جامع‌التواریخ رشیدی، غرب آسیا موسسه مطالعات شرقی. ابوریحان بیرونی، آکادمی علوم ازبکستان، نسخه‌ی شماره ۱۶۲۰، سده‌ی هشتم قمری، برگ ۱۰۹ (مأخذ تصویر:

Julia Gonnella, Friederike Weis, Christoph Rauch, 2016:273)

۱ - خط رسمی برخی کشورهای شرق اروپا، روسیه و شمال و شرق آسیا.

<sup>2</sup> <https://www.thetimes.co.uk/article/mongolia-abandons-soviet-past-by-restoring-alphabet-rsvcgqmxnd>

<sup>3</sup> De Courteille, Pavet

اشاره به جزئیات، از چند نسخه‌ی دیگر شامل داستان رضوان شاه و روح افزا (محل نگه‌داری نامشخص، مورخ ۱۴۵۳ م) نسخه‌ی عتبه‌الحقایق (نسخه‌ی سمرقند، مورخ ۱۴۴۴ م) و لطافت نامه‌ی خجندی (نسخه‌ی کابل، مورخ ۱۴۸۸ م) یاد کرده است (۲۰۱۵: ۱۳۶). نسخه‌ی غوتادغوبیلیک شماره (۱۳ Cod. A. F.) کتابخانه‌ی وین، کتابت ۸۴۳ (در هرات) و ۸۷۹ (در استانبول)، از میانه‌ی سده‌ی نوزدهم به بعد، توجه محققان زیادی را به خود جلب کرده است (برای پیشینه‌ی این پژوهش‌ها رک: ۲۰۱۵: Matsumi). نسخه‌ی دیگر از مخزن الاسرار میر حیدر ترکی‌گوی در کتابخانه‌ی ایاصوفیه (شماره‌ی ۴۷۵۷) نگه‌داری می‌شود که نگارنده آن را از نسخه‌های متاخر (پس از سده دهم) کتابت شده به خط اویغوری در ممالک عثمانی می‌داند.

#### ۱- خط اویغوری در منابع تاریخی سده‌ی نهم (ه.ق)

گویا پیش از همه، ابن عربشاه در سده‌ی نهم به نگارش خط اویغوری پرداخته و آن را خطی مشهور دانسته است. وی خط دلبرچین که خط خطایان است را دیده که ۴۱ حرف داشته است. چون علایم "تفخیم" و "اماله" را و آنچه که میان این دو بوده هم به خط افزوده بودند. اما خط جغتایان، اویغور نامیده می‌شده که به قلم مغولی مشهور و تنها چهارده حرف داشته است:

«... وفي الخط لهم خط یسمى دلبرچین رایت حروفه احدا واربعین وسبب زیاده انهم یعدون التفخیم والامالات حروفا وکذالک البین بینات فتتولد الزواید . واما الجغتای فلهم قلم یسمى اویغور. وهو بالقلم الموغولی مشهور و عدته اربعه عشر حرفا وهذه مقطعاته ... » (نسخه‌ی مجلس شماره ۱۵۰۹، ص ۲۵۶، ابن عربشاه ۲۰۰۸: ۳۲۱ و ۳۲۲)

<sup>1</sup> - [https://digital.onb.ac.at/RepViewer/viewer.faces?doc=DTL\\_2640899&order=1&view=SINGLE](https://digital.onb.ac.at/RepViewer/viewer.faces?doc=DTL_2640899&order=1&view=SINGLE)



**تصویر ۴:** مجموعه‌ی چند رساله، بخش

آموزش نگارش اویغوری، کتابخانه مجلس، نسخه‌ی شماره‌ی ۳۱۲۱، قرن نهم (ه.ق)، ص ۸۸

**تصویر ۳:** ترکیب‌های ساده از الفبای

اویغوری، ابن عربشاه، عجایب المقدور فی نوایب التیمور، کتابخانه مجلس، نسخه‌ی شماره‌ی ۱۵۰۹، ص ۲۵۷

ولی علت نقصان و انحصار این خط را در این علایم، آن می‌داند که آنها حروف حلقی را یکسان می‌نویسند و همین‌طور حروف قریب‌المخرج مانند "با" و "فا" و "زا" و "سین" و "صاد" و نیز "تا" و "دال" و "طا" را با یک علامت نشان می‌دهند (همان ص ۲۵۷، تصویر ۳). خط اویغوری در نسخه‌های خطی ایرانی مانند خط فارسی از راست به چپ نوشته می‌شود ولی در اسناد مغولی سده‌ی هفتم و هشتم نوشته‌ها از بالا به پایین هم نوشته شده‌اند. نگارش اسناد اویغوری از وظایف بیتکچیان بود حسام‌الدین امیر حسینی<sup>۱</sup> رئیس مستوفیان و مأمور وصول مالیات و فرزند شرف‌الدین خوارزمی بود که خط اویغوری و زبان مغولی می‌دانست (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۲: ۱۳ / ۵۳۴۰).

به غیر از عجایب‌المقدور، متن رساله‌ی مختصری از سده‌ی نهم (ه.ق) به جای مانده‌است که به شیوه نگارش خط اویغوری پرداخته‌است. مؤلف ناشناس، در متن از رقعات و مراسلات یاد می‌کند و نمونه‌هایی از القاب موجود در فرمان‌ها را آموزش می‌دهد. این رساله که خط، قطع کتاب و

۱ - وی غیر از کسی است که نام او در انجام اویغوری نسخه‌ی مثنویهای عطار کتابخانه بریتانیا (Or. ۱۱۳۲۵) آمده‌است.

موضوعات آن، همه دلالت بر تعلق آن به سده‌ی نهم می‌کند در کتابخانه‌ی مجلس نگه‌داری می‌شود و به نام رساله در خط ترکی ثبت شده‌است (شماره ۳۱۲۱، مجلس، سده‌ی نهم ه.ق، تصویر شماره‌ی ۴). اوراق نسخه‌ی حاضر با سایر رسالات نسخه درهم آمیخته و مشوش شده‌است. رسالات این کتاب عبارتند از:

۱. مختصری در تقویم از سی فصل خواجه نصیر طوسی به عربی (ص ۱ تا ۲۰)
۲. مختصری در نجوم واحکام آن به فارسی از قوشچی (صفحه ۲۱ تا ۴۲) در پایان این بخش، نوشته‌های کوتاهی با تاریخ‌هایی از ۹۰۸ و ۹۷۰ دیده می‌شود و خط آن نشان می‌دهد از افزوده‌های بعدی است.
۳. پس از آن منشآت وحید تبریزی که باید همان جمع مختصر در علم عروض و قافیه و صنایع الشعر<sup>۱</sup> (صفحه ۴۳ تا ۸۴) باشد، در صفحه‌ی ۷۹ عروض، ناتمام مانده و یک رساله‌ی دیگر شروع می‌شود.
۴. بخش چهارم گفتار در خط ترکی و سیاقی و اوهل و مشجر (صفحه ۸۵ تا ۹۲)
۵. بخش پنجم در بیان کاغذ و رنگ‌های الوان (صفحه ۹۳ تا ۱۰۳) در صفحه‌ی آخر (ص ۱۰۳) نیز آغاز یک رساله در وفق است که ادامه‌ی آن افتاده‌است.

پیش از این، رساله‌ای مشابه بخش پنجم این نسخه منتشر شده‌است (اذکایی: ۱۳۴۸). نسخه‌ی اساس، یعنی (نسخه‌ی شماره ۴۷۶۷، کتابخانه‌ی مجلس)<sup>۲</sup> نسخه‌ی ناقصی بوده که براساس همان یک نسخه منتشر شده و بخش ترکی را نداشته و خط مشجر نیز از نسخه افتاده بوده‌است. از طرف دیگر و با توجه به تقدم تاریخی، این رساله در حدود دو سده پیش از آن نوشته شده‌است، از این رو آن طور که اذکایی نوشته (همان‌جا) امکان ندارد نوشته‌ی آقارضی قزوینی باشد. رساله رنگ کردن کاغذ در نسخه‌ی شماره‌ی ۳۱۲۱، مجلس، نیز با نسخه‌ی نشر اذکایی تفاوت‌هایی دارد که فهم آن را تسهیل می‌کند. از ۱۲ رساله موجود در نسخه‌ی اساس اذکایی، چهار رساله با این نسخه مشترک است و دور از ذهن نیست که استنساخ نسخه‌ی دوم با نسخه‌ی اول به نحوی مرتبط باشد. استاد مایل هروی نیز با اشاره به مقاله‌ی اذکایی و نیز مقاله‌ی دیگری که گلچین معانی<sup>۳</sup> منتشر کرده و با

۱- نسخه‌ی ۱۳۶۷۵ کتابخانه مجلس نیز نسخه‌ای شبیه به همین نسخه‌ی در خط و قطع با تاریخ ۷۹۸ است که متعلق به سده‌ی نهم باید باشد و ۸۹۷ در ثبت و در کتابشناسی اشتباه شده ۷۹۸.

۲- در مقاله‌ی اذکایی شماره نسخه ۱۵۰ ذکر شده‌است.

۳- وی شماره نسخه‌ی را ۲۴۵۹ نوشته‌است اما همین نسخه‌ی منظور وی است.



معرفی همین رساله (۳۱۲۱، مجلس) آن را از سده‌ی نهم و با احتمال به نیمه اول سده‌ی دهم متعلق دانسته است. بخش "رساله در رنگ‌ها" مورد استفاده‌ی قاضی احمد در خاتمه گلستان هنر و صیرفی در گلزار صفایوده است (گلچین معانی، ۱۳۴۱: ۲۷۸ و به تبع وی مایل هروی، ۱۳۷۲: ۴۴) و با توجه به قدمت آن نیازمند بررسی بیشتر است. در نسخه‌ی شماره‌ی ۴۷۶۷، رساله‌ی خط اوهل جداگانه و پس از پایان رساله‌ی رنگ نوشته شده است. خط اوهل در نسخه‌ی ۳۱۲۱، از صفحه‌ی ۹۰ شروع می‌شود و در میان رساله‌ی خط مشجر و ترکی است که اوراق پریشانی دارد.



آقای مایل هروی هم خط اوهل را در انتهای رساله‌ی رنگ کردن کاغذ منتشر کرده است (۱۳۷۲: ۵۷-۶۷) ولی در مورد خط مشجر و رساله‌ی خط اویغوری هیچ نگفته‌اند. مقابله‌ای مختصر، این گمان را

پیش می‌آورد که طبع استاد مایل نیز براساس همین نسخه‌ی متأخر (۴۷۶۷) است نه نسخه‌ی متقدم (۳۱۲۱). استاد مایل هروی، شماره‌ی صفحه و یا ورق نداده و اشاره‌ای به تصویر ۵: ب/ای/ای/د/ای/د/ای/م (بیتیدیم: نوشتیم. د و ت علامت یکسان دارند)، انجامه نسخه‌ی شماره ۱۹۰. truc، کتابخانه ملی فرانسه، سده‌ی نهم قمری، برگ ۲۶۴ پ

شیوه‌ی مقابله نکرده‌اند و از این جهت به سادگی نمی‌توان فهمید که چه روی داده‌است که دو رساله‌ی دیگر (خط مشجر و دستور نگارش اویغوری) منتشر نشده‌است.

رساله‌ی خط ترکی ضمن بیان حروفی که علایم مشترکی دارند (پنج حرف) و حروفی که با یک علامت مستقل نوشته می‌شوند (۷ حرف) اویغوری را دارای چهارده حرف می‌داند. در متن رساله عباراتی به خط اویغوری نوشته شده است و زیر یا بالای آنها، برابر فارسی آن با مرکب سرخ نوشته شده است. در عنوان این رساله از خط سیاقی هم یاد شده است، اما اوراق جابه‌جا شده و افتادگی دارد. بنابر ترتیب عنوان صدر رساله، باید خطی را که در صفحه‌ی ۹۰ نسخه آمده، ادامه‌ی متن رسالات خط و همان خط سیاقی بدانیم. این خط را می‌توان ترکیبی از خط اویغوری با حروف و اشکال تزینی دانست. برخی حروف به کار رفته در خط سیاقی، مشابه حروف اویغوری هستند. مثلاً "میم" و "دال" در "محمد"، "قاف" در "صدیق" و یا واژه‌ی "طالب" که غیر از حرف آخر، تمام حروف آن اویغوری است. با مقایسه با متن سایر رساله‌ها، احتمالاً یک برگ (دو صفحه) از این بخش رساله که در



بیان اصول خط سیاقی بوده افتاده است. خط سیاقی هیچ نسبتی با خط سیاق که در نمونه‌های سیاق‌نویسی این دوره (مثل رساله‌ی فلکیه، کتابخانه مجلس، شماره ۶۵۴۱) می‌بینیم ندارد. استفاده از این شکل نگارش در رقم‌های طغرا مانند نسخه‌ی مجموعه‌ی اویغوری فرانسه (معراج‌نامه و تذکره‌الاولیا، شماره‌ی ۱۹۰، turc)، کتابخانه ملی فرانسه، تصویر شماره ۵) و رقم نسخه‌ی غوتادغو بیلک (تصویر شماره ۶) دیده می‌شود.



تصویر شماره ۶، غوتادغو بیلک، نسخه‌ی کتابخانه ملی اتریش، شماره‌ی

Cod. A. F. ۱۳، ص: ۱۹۶، کتابت متاخر، امضای کاتب به شیوه سیاقی

این روزگار، زمان بالندگی خط نستعلیق است و شیوه‌های مختلف آن در ایران به تکامل می‌رسد (برای تفصیل رک: سراج شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۴۲) خط نستعلیق، خطی هنری است و با داشتن بیان هنری قوی با ادبیات، پیوند می‌یابد و خط اصلی زبان فارسی می‌شود. در کنار آن، کاتبان بزرگ خط نستعلیق، متون ترکی خصوصاً آثار امیر علیشیر نوایی را در نسخه‌ی‌های شاهانه می‌نویسند و مجالی برای خط اویغوری نمی‌ماند. زبان ترکی به کار رفته در نمونه‌های تاریخی این مقاله، ممکن است در برخی موارد با ترکی امروز متفاوت باشد. متأخرترین نسخه‌های موجود به خط اویغوری، از اواخر سده‌ی نهم هستند (خودداری ناینی، ۱۳۹۹) و این نشان می‌دهد پس از دوره‌ی تیموری و نسخه‌های مهمی که برای شاهزادگان تیموری تهیه شد، با انقراض تیموریان و با آغاز سده‌ی دهم، دولت‌مردان صفوی هیچ علاقه‌ای به استفاده از این خط نشان ندادند، درحالی که بایزید عثمانی این خط را فراگرفته بود (دانشنامه ۱۳۹۲: ۴۲۴/۱) واژه‌ی "بخشی" که در پسوند نام‌های کاتبان خط اویغوری دیده می‌شود و پس از سده‌ی هشتم در فرهنگ ایرانی معنای کاتب، دبیر و منشی یافته بود، در عصر صفوی متروک شد (دانشنامه جهان اسلام: ۸۴۱/۴).


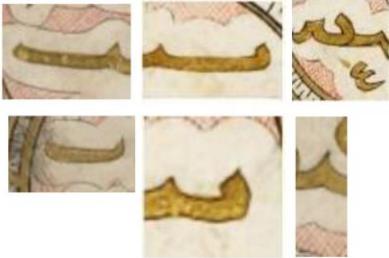
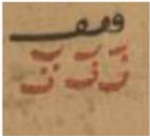
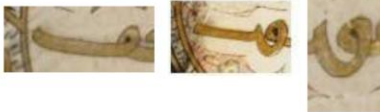


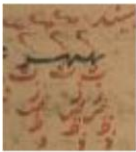



در این رساله، کلماتی که عربی هستند و "ال" تعریف می‌گیرند (مانند نصرالدین: نصر دین) بدون الف و لام نوشته شده است. در دیگر نمونه‌های موجود نیز شواهدی وجود دارد که واژه‌ها براساس تلفظشان نوشته شده‌اند (مانند نمونه‌های مختلف در جدول نام عارفان در نسخه‌ی ترکی شماره‌ی ۱۹۰، کتابخانه فرانسه، ۸۴۰ق، موسوم به معراج‌نامه، برگه ۷۳ر و ۷۳پ، بازنویسی شده در جدول شماره ۱ و ۲) و یا نگارش کسره‌ی اضافه به شکل "یی" و یا نوشتن "راحه‌القلوب" به شکل "راحتول‌القلوب". به عبارتی کلمات همان‌طور خوانده می‌شوند که نوشته شده‌اند. "های" ملفوظ در کلمه‌ی "بهادر" نوشته نشده است.<sup>۱</sup> اما در بازنویسی کلمه "ویرور" که میان "کسره" و "یا" تلفظ می‌شود در کتابت اویغوری از "ای" استفاده شده و در بازنویسی زیر واژه "ورور" نوشته شده است. چون خط اویغوری علامت کسره ندارد به جای کسره "ای" می‌نویسند که احتمالاً ناشی از تلفظ آن هم باشد. گاهی شکل حروف پایانی به دلیل ترکیب با یای بدل از کسره تغییر کرده است.

حروف در دستخطها و اینکه کجای کلمه هستند، اشکال متفاوتی می‌یابند. مؤلف این رساله گویا فارس بوده و عقیده دارد که ترک و عرب، اندکی از زبان فارسی را درک می‌کنند اما عجم، گفتار ترکی را بیشتر می‌فهمند.

---

۱- همانطور که خواهیم دید علامتی برای ها در این خط نیست

در جداول ۳ شیوه‌ی نگارش مفردات حروف خط اویغوری براساس نسخه‌های خطی سده‌ی نهم نشان داده شده‌است.

شکل حرف در اول، میانه وپایان از رساله آموزشی، شماره‌ی ۳۱۲۱، مجلس	اشکال مختلف یک حرف، از مجموعه‌ی اویغوری، (turc.۱۹۰)، فرانسه	حروف مشترک در یک علامت
		الف، ح، ع، ه، -
		ب، ف [نیز واو] ۱۱ پ
		ت، دال، طا
		ئا، زا، ضاد، ظا، ذال، سین، صاد
		جیم / چ

## ۱۵۴ سخن تاریخ / سال شانزدهم، شماره ۴۰، زمستان ۱۴۰۱

جدول ۳: القیای فارسی و برابریهای ایغوری براساس نسخه‌ی -معراج‌نامه و تذکره‌الاولیا (۱۹۰ turc فرانسه) و رساله‌ی آموزش نگارش اویغوری (شماره‌ی ۳۱۲۱ کتابخانه‌ی مجلس)

شکل حرف در اول، میانه و پایان از رساله آموزشی، شماره‌ی ۳۱۲۱، مجلس	اشکال مختلف یک حرف، از مجموعه‌ی اویغوری، (۱۹۰.turc)، فرانسه	حروف مشترک در یک علامت
		خ / غین / قاف
		را
		شین
		لام
		میم
۱۲		نون
		و، واو، او (-)
		یا (ای)

متن رساله‌ی خط ترکی موجود در کتابخانه مجلس در زیر نقل می‌شود<sup>۱</sup>:

۸۵/ فصل است در بیان خط ترکی و سیاقی و خط اوهل و مشجر

باید که از انواع خطوط و رسوم و آداب کتاب که در میان اصحاب‌الباب مستعمل و متداول است در موافقت واقف باشد چنان که اگر از طرفی رقعہ [ا]ی برسد به هر لغت و هر خط که باشد هم توانند خواندن و هم بر این منوال جواب آن خطاب و مثال آن جواب ارسال توانند کردن و از این اصناف در اطراف و اکناف میان اشراف بسیار است. اما آنچه معمول و منقول و معقول است و حالا در جمیع بلاد و دیار و بمین و یسار شایع و واقع و مفید و نافع است خط ترکیست که امیر و وزیر و صغیر و کبیر در حسن صورت آن می‌کوشند و کسوت معنی دَرُو می‌پوشند و اصل آن را یکی از حکمای خطای و اویغور وضع کرده و مشهور ساخته و قواعد و ضوابط در مفردات و مرکبات و قطع و وصل و فرع و اصل آن بسیار است. اما آنچه لابد است آن است که بدانند که مجموع لغات و کلمات ایشان از چهارده علامت مرکبست، اگرچه تمام حروف تهجی را بدان توان نوشت و هر چند حرف که قرب مخارج دارند به جای یک حرف دانند: **ا** و **ع** و **ح** و **ه** را یکی گیرند. و **ب** و **ف** را یکی دانند. و **ت** و **د** و **ط** را یکی خوانند. و **ت** و **د** و **ز** و **س** و **ص** و **ظ** این هفت حرف نیز یک حکم دارد و **ح** و **غ** و **ق** را از یک جنس شمردند و باقی حروف هر یک به جای خود باشد چون **ج** و **ر** و **ش** و **ک** و **ل** و **م** و **ن** و **و** و **ی** / ۸۶/ این مفردت<sup>۲</sup> و آن مرکب پنج، چهارده باشد. مفردات ایشان در هفت کلمه مندرج است و در پیش هر یکی الفی چنان که موضوع وضع است نوشته می‌شود به واسطه‌ی آن که فتحه و کسره و ضمه‌ی ایشان عبارت است از **ا** و **ی** و **و** و اعراب را داخل حروف نویسند تا آسان توان خواندن و نوشتن برین منوال: مفردات خط ترک برقاعده‌ی اصلیه: ا/ب/س/و/س/ق/ی/ک/ت/م/ن/ش/ف/ج/ر/ش/ت/ل/ش/ [در حاشیه: م]، خ [یا ق]

و چون همین مفردات را ترکیب کنند چنین باید نوشت:

اَبَقَ و سَقَ بَکَتَ مَنَشَ فَجَرَ شَتَلَ ثَمَقَ

ضابطه: و از این حروف هر یک در اول کلمه صورتی دارد و در وسط هیئاتی و در آخر به مثالی و از ضبط کردن آن چاره نباشد. بعد از مفردات خط ترکی حروف در اول و وسط و آخر چنین نویسند: الف، ح، ع، ه، ب، ف، ث، ز، ظ، ذ، ج، خ، غ، ق، ر، ش، ک، ل، م، و، ی (رک: جدول شماره ۵-۳).

پس چون صورت مفرد و علامت مرکب به واجبی معلوم و مفهوم شد و قوت و قدرت آن حاصل کرد

۱- زیر عباراتی که در نسخه‌ی به خط اویغوری نوشته شده است، خط کشیده شده است.

که از مصنوعات / ۸۷ / و موضوعات آن فایده گیرد از هر چیزی نموداری آورده می‌شود تا به سهولت نزد [د]یکتر و آن یکی تا صد هزار به لفظ ترکی نوشته می‌شود و به رقم هندسه و رقوم و پارسی ترجمه کرده می‌رود تا بر مجموع اطلاع افتد. اعداد ترکی بر توالی و ترتیب: بیر، ایکی، اوچ، دورد، بیش، آلتی، بیدی، سکیز، دوقوز، اون، اون بیر، اون ایکی، اون اوچ، اون دورد، اون بیش، اون آلتی، اون بیدی، اون سکیز، اون دوقوز، بیکیبیرمی، اوتوز، قیرخ، اللیک، آلتیمیش، بیدمیش، سکسان، دوقسان، یوز، ایکی یوز، اوچ یوز، درد یوز، بیش یوز، آلتی یوز، بیدی یوز، سکیز یوز، دوقوز یوز، مینک، ایکی مینک، اوچ-مینک، دردمینک، بیش مینک، آلتی مینک، بیدی مینک، سکیز مینک، دوقوز مینک، اون مینک، یوز مینک [رک جدول شماره ۲]

و آن کس که بر زبان ترکی مطلع باشد داند که یکی را بیر می‌گویند و ده را اون و صد را یوز و هزار را مینک. اسامی مرکب: عین‌الدین، فخرالدین / ۸۸ / نصرالدین، امن [کذا] الدین، تاج‌الدین، عمادالدین، علا [ء] الدین، بها [ء] الدین<sup>۱</sup> سید حسن، میر حسین، خواجه یوسف شاه، درویش علی شاه، شیخ جنید، سلطان بخت، مراد بیک، خدای داد، تانگری وردی، قلدرویش<sup>۲</sup>. پس طبع سلیم و ذهن مستقیم را این مقدار نمودار کفایت باشد. اما نباید دانست که چون دو کس به یکدیگر مکتوب نویسند آنک بزرگ‌تر باشد اول نام خود بر بالای سطور نویسد و نام آن کس که از وی خردتر باشد در زیر نام خود ذکر کند. چنانکه در اول نشان‌ها نویسند که شاهرخ بهادر سوزمیز<sup>۳</sup> علا [ء] الدوله بهادر سوزمیز، ورور شاه سوزوم شیخ توکل [؟] دین، شیخ ولی دین دولتخواجه دین. و اگر کهتر به مهتر نویسد اول نام آن کس بنویسد بعد از آن در خط دوم نام خود ذکر کند و دعا و سلام عرضه دارد برین ترتیب: سیف‌الملوک بیک تبوقی دابوالمکارم دین کوب دین کوب [مکرر] قلّی دعا دکج . علی هذا القیاس دیگر ابیات پارسی را به خط ترکی توان نوشت برین ترتیب:

ترک من خطی به خون آورد و زود آرد برون نو خطان گر خط ترکی دیر بیرون آورند  
اسامی [ای] که هم به خط ترکی وهم پارسی باشد وهم معنی نوشته شده است. اسامی سال‌های  
ترکان به ترتیب سیچقان ئیل، اود ئیل، بارس ئیل، توشقان ئیل، لوی ئیل<sup>۴</sup> ئیلان ئیل، یونت

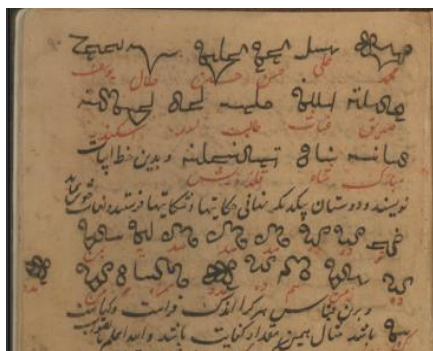
۱- در شکل کتابت اویغوری: بیاء [ء] الدین

۲- همه بدون الف و لام نوشته شده‌اند چه در اویغوری و چه در برابر فارسی آنها

۳- به معنی فرمان ما، این عبارت در صدر برخی فرمانهای پادشاهی ایران به شکل طغرا و به خط فارسی تا سده‌ی دهم نوشته شده است.

۴- در اصل یوتیل/اوئیل

ئیل / ۸۹ / قوی ئیل، پیچی ئیل، تخاقوی ئیل، ایت ئیل، تنکوز ئیل. و آنچه میان ترکان و عربان در تکلم مشترک است اسامی ایشان است چون محمد و احمد و محمود و علی و حسن و حسین علی هذاالقیاس و نام‌های شهرها و ولایت‌ها چنانکه خراسان، عراق، مصر، شام و بعضی از اشیای مختلفه همچون محرم و صفر و شمع و چراغ و کوشک و باغ و دیوان و ایوان و از این بسیارست که در گفتن آنها میان ترک و تاجیک هیچ فرق نیست. پس از هر یک مثالی نموده می‌شود تا در خاطر مخمر و در ضمیر مقرر شود. اما اول بدانک کتابت ترکی تابع عبارت است و ایشان را فک [و] ادغام ضرورتست و الف لام‌ها در ترکیب نیاید برین مثال. اسامی مختلفه و القاب موتلفه: عبدالله، عبدالحق، عبدالاول، عبداللطیف، عبد الکریم، عبدالرحیم، عبدالمجید، عبدخالق، عبدالحی، شمس دین، جمال دین، جلال دین، قوام دین، نظام دین، همام دین، کمال دین، غیاث دین، نور دین، نجم دین، سیف دین. و الفاظ ترکی را به خط پارسی نیز می‌توان خواند و نوشت. تمت.



تصویر ۷: بخش باقی مانده از خط سیاقی (۶ سطر)، کتابخانه مجلس، نسخه‌ی شماره ۲۱۳۱، صفحه‌ی ۹۰

/ ۹۰ / [ادامه متن: رساله خط سیاقی (تصویر شماره‌ی ۷)] محمد، علی، حسن، حسین، جلال، یوسف، صدیق، غیاث، طالب، اسد، اسکندر، مبارک شاه، قلدرویش و بدین خط ابیات نویسند و دوستان به یک دیگر نهانی حکایت‌ها و شکایت‌ها فرستند و به غایت خوش نماید: تو ده ده مد مد مد یه بمن ده.

زمن [درحاشیه: مده] هم ده مدد همراه من کن و برین قیاس هر کرا اندک فراست و

کیاست باشد مثال مقدار کفایت باشد والله اعلم بالصواب. **خط اوهل** و دیگری که به قوت طبع فیاض و قدرت دل مرتاض، بیگانه‌ی زمان و فرزانه‌ی اوان خود بوده خطی وضع کرده و ضابطه [ای] بیرون آورده و مستحسن افتاده و طریقه‌ی آن چنان است که از مجموع حروف تهجی چهارده حرف که غیر منقوط است اختیار کرده چون ا و ج و د و ر و س و ص و ط و ع و ک و ل و م و د و و ه و لا و هر دو حرف را باهم ضم کرده مقرر بر آنک قایم مقام یکدیگر باشند و مجموع را ترکیبی ساخته است. چنانک

۱- این چند سطر، تنها بخش باقی مانده از خط سیاقی است و به اعتبار زیر نویس های فارسی آن نوشته شد چون متن سیاقی آن بدون راهنما قابل خواندن نیست.



کم صلا او حط در سع له و هر حرف که منقوط است بر اصل خود باشد<sup>۱</sup> و بدین خط واصطلاح همه چیز توان نوشت /۹۱/ و بدین ضابطه نیز سخن توان گفت و هر بیت که خوانند بر همان وزن بدین قاعده توان خواند و چون در میان کلمات و عبارات کلمه [ای] واقع شود که مجموع آن نقطه‌دار بود همچون شیخ، اگر بر همان حال و منوال نگهدارند در نوشتن و خواندن معلوم و مفهوم شود، پس آن کلمه را قلب کنند همچنانک شیخ خیش شود و پیش شیب باید گفت برین ترتیب ابیات را بنویسد.

وی کاتع رد ایشون و کداز مجو باری ترجمه: ای مونس درویشان امروز کجا بودی  
ای کدلک ره دیشون رد سین شفو باری [ترجمه]: وی مرهم دل‌ریشان در عین شفا بودی  
و اگر جمعی از مستعدان برین اصطلاح ممارست و مداومت نمایند و سخن گویند، هیچ آفریده‌ی دیگر را بر آن اطلاع و وقوف کامل حاصل نشود. با آنک مردم ترک و عرب اندک حکایت اهل عجم را فهم کنند و عجم اکثر لغات ترکان را دریابند، هرچند بر آن زبان شعور نداشته باشند اما تا کسی از این اصطلاح نیک واقف نباشد بر هیچ لغت او مطلع نتواند شد [...]<sup>۲</sup>.

## ۲- الفبای اویغوری و مشکلات نوشتاری آن

الفبای اویغوری به کار رفته در متون سده‌ی نهم (ه.ق) ۱۴ حرف دارد که در نگارش آن مانند الفبای فارسی/عربی، حروف به اعتبار مکانشان در آغاز، میان و پایان کلمه، شکلی متفاوت می‌یابند. این علائم برای نگارش همه‌ی حروف متن کافی نیستند و مشابهت یک علامت میان چند حرف، خواندن آن را (به‌خصوص برای کسانی که زبان ترکی شرقی را نمی‌فهمیدند) دشوار ساخته بود. گفته شده است که کلمات مغولی نیز در خط اویغوری دقیق نوشته نمی‌شد (Rossabi, ۱۹۸۸: ۱۵۵) و برای بازنویسی، زبان چینی نیز مناسب نبود (Ibid). ظاهر این خط شبیه خط مانوی است. ریشه‌ی این خط را خطوط ایرانی مانند مانوی و سغدی نیز دانسته‌اند و در خط مانوی نیز حروف مشابه گزارش شده است (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۲: ۱/۷۱۰۴).

در این خط، اعراب کلمات، با حروفی مخصوص به اعراب درون واژه نوشته می‌شود. با این وجود، فقط مشترک بودن علائم نیست که خواندن متن را دشوار ساخته است. بلکه اندک تغییری در هر علامت می‌تواند چیز دیگری خوانده شود. حرف "ا" اگر کمی کشیده شود "ای" هم خوانده می‌شود. حتی حرف

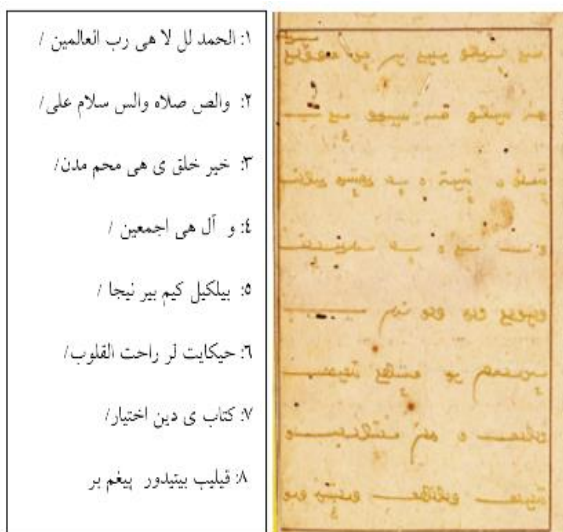
۱- در حاشیه به خطی متاخر ترآمده: کم صلا او حط در سع له [؟] بود، حرف منقوطش به جای خود بود

۲ - رساله‌ی چاپ استاد مایل در اینجا پایان می‌یابد. اما ادبیات متن این گمان را تقویت می‌کند که نسخه‌ی ۴۷۶۷ نیز باید با رساله اویغوری مرتبط بوده باشد. در ادامه نسخه‌ی منقول‌عنه، بندی در باب خط مشجر آمده است.

"کاف" در آخر ممکن است به حرف "یا" شبیه شود، مثل کلمه‌ی تُرک در مصرع دوم شعر (رساله‌ی نگارش اویغوری ص ۸۸). حرف یا/کسره گاهی جدا و بدون اتصال به حروف پیش از خود نوشته شده است. البته گاهی با کمک اعراب درون کلمه، تلفظ برخی نام‌ها به نسبت خط عربی ساده‌تر شده است. کتابت اویغوری در استفاده از حروفی که در عربی شکل متفاوت دارند ولی تلفظ آنها مشابه است (ظ، ز، ض، ح و ه / ص و س و ز / خ و ق و غ) از یک حرف استفاده می‌کند و برای همین در بیشتر نسخه‌ی‌ها این کلمات (که غالباً وام‌واژگان فارسی و عربی مورد استفاده‌ی ترک‌زبانان بود) اصل حرف را بالا یا پایین کلمه نوشته‌اند (تصویر شماره‌ی ۹). در نسخه‌ی مجموعه‌ی اویغوری فرانسه و نیز نهج‌الفرادیس<sup>۱</sup> این حروف کمکی، کمتر دیده می‌شود.



**تصویر ۸:** نمونه ای از نگارش حرف میم در پایان کلمه مشابه میم عربی، نسخه‌ی turc, ۱۹۰۰.



**تصویر ۹:** متن زر نویسی، جنگ یزد، کتابخانه‌ی بریتانیا شماره Or ۸۱۹۳، تاریخ، برگ شماره ۱۳۶ پ

۱ - برای اوراق پراکنده این نسخه‌ی رک: Gruber, ۲۰۱۹.



**تصویر ۱۰:** دوبیت آخر در برگ اول اشعار میر حیدر:  
چو زین العابدین و باقر و / صادق بیلا کاظم / ضمیرینک پاک و  
دینینک راست / صدقینک دوز اوزونک رهبر. نسخه‌ی جنگ عبدالله  
سلطان، کاخ گلستان، شماره. ۲۱۸۱، سده‌ی نهم ق، ص ۷۳

خط متن این نسخه‌ها شبیه آن چیزی است که ما آن را خط نسخ می‌نامیم و استفاده از پهنا‌ی قلم و یکنواختی آن، به دنبال وضوح و خوانایی متن ترکی است. با وجود آنکه حروف در پایین و بالای سطر جای زیادی نمی‌گیرند، فاصله‌ی سطور، زیاد گرفته شده است. البته شاید این امر از نمونه‌های ایرانی که فاصله‌ی سطور، علل خارجی داشته مانند رعایت مراتب خطاب و یا از نمونه‌های اسناد اویغوری که کاتب، برخی حروف را به سمت بالا یا پایین می‌کشید تأثیر پذیرفته باشد. با توجه به کتابت سرلوح‌ها با قلمی بزرگ‌تر از متن، کمی خط کرسی آنها ناراست دیده می‌شود. در فرمان‌ها (مثلاً نگاه کنید به سندی از میران‌شاه تیموری در سال ۸۰۰ از مجموعه موزه ملی ایران منتشر شده در

۲۰۱۵, Matsuri) فاصله بین سطور، زیاد و ارتفاع نوشته‌ی اویغوری بسیار کوتاه است و حروف بالا و پایین کرسی، علاوه بر ارتفاع کم، تمایل به مایل بودن دارد که در مجموع خط را بسیار ظریف و سبک نشان می‌دهد.

تلفظ‌های ویژه‌ی زبان ترکی را در این خط نمی‌توان نوشت و به تفاوت معانی این‌گونه کلمات، بر اثر نبودِ علایمی مختص زبان ترکی، اشاره شده است (Clausen, ۱۹۲۸ and De Courteile, ۱۸۸۲) برای حرف «- (O) و او (U) یک نشانه به کار می‌رود (مثلاً نگاه کنید به نام یوسف بن حسین در جدول نام عرفا، تذکره‌الاولیا، بخش دوم نسخه‌ی ۱۹۰۱ turc کتابخانه ملی فرانسه، برگه‌ی ۷۳ پ، تصویر شماره‌ی ۱۳). فهرست نام‌های عرفایی که در نسخه‌های فارسی تذکره‌الاولیا ذکر شده تفاوت‌هایی در نام و ترتیب نگارش با متن جدول عرفا در نسخه‌ی اویغوری فرانسه دارد. برخی نام‌ها همان‌طور که تلفظ می‌شود، نوشته شده و کسره‌ی اضافه به شکل **هی** در نوشتار ظاهر شده است. در مورد ابوالخیر اقطع و عبدالله روغدی نگارنده تصور می‌کند، نقطه‌های کلمه در جای خود نوشته نشده است. مثلاً در کلمه‌ی ابوالخیر، کسره اضافه به شکل **یا** در آخر کلمه چسبانده شده و آن را ابوالخیری کرده است. واژه‌ی اقطع را نیز می‌توان احداق / احداخ یا اقداق / اقداخ خواند. نقطه‌هایی که تفاوت حروف مشابه (مانند ای و نون) را اعلام می‌کند گاهی فراموش شده است. به هر حال همان‌طور که گفته شد این خط (بیشتر از خط عربی و فارسی) ابتدا باید فهمیده و سپس خوانده شود.

وقتی کلمه‌ای عربی یا فارسی است، برای آن که درست خوانده شود، کاتب با اضافه کردن حروف کوچک عربی / فارسی علایم مشترک حروف را متمایز می‌کند (تصویر ۱۰) و گاهی برای فهم کلمه، یک حرف را به عربی هم می‌نویسد. این دوباره کاری که تقریباً در همه نسخه‌های خط اویغوری دیده می‌شود، نشان می‌دهد با وجود اشاره‌ی رساله‌ی اویغوری به شیوع این خط در این زمان، خط اویغوری خط رایجی میان مردم نبوده و در همان سطوح دربار طالب داشته است. تعداد نسخه‌های این خط، در برابر نسخه‌های خط فارسی بسیار اندک است. زبان ترکی جغتایی نیز خود به شکل وسیعی متکی بر استفاده از واژه‌های فارسی و عربی است.



تصویر ۱۱: نمونه حرف ح-ه/ه در نسخه‌ی شماره ۱۹۰.turc، کتابخانه ملی فرانسه،

به علاوه با وجود اعراب درون کلمه در این خط، کاتبان از زیر و زیر (اعراب) عربی هم برای کلمات استفاده کرده‌اند. مانند کاتب نسخه‌ی جنگ عبدالله سلطان ( کاخ گلستان نسخه‌ی شماره ۲۱۸۱ ) که در این مورد، پیروی از خط ثلث (یا محقق) که از اعراب برای تنظیم سواد و بیاض، استفاده می‌کند نیز مؤثر بوده است. گاهی در نگارش حروف مشدد از تشدید عربی استفاده می‌شد، مانند ( ص در حمدون قصار) و گاهی

حرف دو بار نوشته می‌شد مانند ( لام در عبدالله و نیز تا در کتانی). در کلمه‌ی عمّار، کلمه در محل دو میم، از هم جدا شده و دویاره نوشته شده است. اگر کلمه‌ای دو حرف داشته باشد که علامت یکسانی در خط اویغوری داشته باشد، بدون علایم کمکی بسیار سخت خوانده می‌شود. مانند احمد که دو حرف - و حا یک علامت دارد و این‌گونه نوشته شده است: (تصویر شماره‌ی ۱۱). همان‌طور که پیشتر اشاره شد، نشانه‌ای برای حرف حا/ها وجود ندارد.

در سکه‌ی شیخ حسن بزرگ جالایر نیز، حسن به شکل اسن نوشته می‌شد. در عبارت شاه شجاع، "ها" در شاه نوشته نشده، زیرا علامتی برای آن نبوده است. در حبیب عجمی، "حا" و "عین" هر دو به شکل "ه" نوشته شده است. در نگارش "حا" در کلمه "محمد" در نسخه‌ی جنگ یزد (شماره‌ی ۸۱۹۳ Or، بریتانیا، مورخ ۸۳۵ ق، ص ۱۳۶ پ) دو نقطه روی آن گذاشته که با قاف مشتبه می‌شود. کاتب جنگ عبدالله سلطان (کاخ گلستان شماره ۲۱۸۱)<sup>۱</sup> تلاش دارد در کتاب خود تزیینات را وارد کند و در میان خطوط اویغوری معرفی شده، در حروف این کاتب، تزیین بیشتری دیده می‌شود. یکی از کلماتی که زمینه‌ی تزیین به شکل تقارن در آن وجود داشته کلمه‌ی بو(به معنی: این) است (تصویر شماره ۱۲).

۱ - از نسخه‌های اندکی که در دوره‌ی این شاهزاده تیموری تولید شده است می‌توان به شاهنامه‌ی مصوری در کتابخانه ملی فرانسه (Persan ۴۹۴) مورخ ۸۴۸ اشاره کرد که محمد السلطانی آن را کتابت کرده است.



**تصویر شماره ۱۲**، مقایسه نگارش واژه‌ی بو(به معنی: این) در نسخه‌ی شماره ۱۹۰.turc، کتابخانه ملی فرانسه، سمت چپ و نسخه‌ی جنگ عبدالله سلطان (کاخ گلستان شماره‌ی ۲۱۸۱) (سمت راست)

**تصویر ۱۳**: نگارش واژه‌ی یوسف ابن حسین، در نسخه‌ی شماره ۱۹۰.turc، کتابخانه ملی فرانسه

حرف "الف" اویغوری (که فتحه هم خوانده می‌شود) به یک "الف" خوابیده در الفبای عربی شباهت دارد. گاهی هم در آخر کلمه (مثل کاتب نسخه‌ی عجایب التیمور مجلس شماره‌ی ۱۵۰۹، سده‌ی نهم ق، که شیوه‌ی اسناد را در پیش گرفته) به زیر خط کرسی کشیده شده است. حرف نون در پایان، گاهی به شکل یک خط کشیده آمده و گاهی به شکل "ر" عربی به زیر خط کرسی به پایین کشیده شده است. مثلاً در نام یوسف ابن حسین دو "نون" پایانی بین (ابن) و حوسیین (حسین) را مقایسه کنید که محدودیت جا برای نگارش هم در این تغییر مؤثر بوده است (تصویر شماره‌ی ۱۳). در این مورد، ممکن است با حروف دیگری که به زیر خط کرسی می‌روند مانند د / ط (آخر کلمه) اشتباه شود. به عبارت دیگر، ترکیب او و نون با حرف ت / ط اشتباه می‌شود.

نگارش "او" و "واو" در ابتدای کلمه‌ی اویس قرنی و واسع دینار یکسان است. برخی نام‌های جدول عرفا در تذکره‌الاولیای اویغوری نیز یا اشتباه خوانده شده و یا در متن مأخوذعنه به شیوه‌ای دیگر نوشته شده است. مانند ابن عطای اومی به جای آدمی و یا عمروی که به شکل عمُری خوانده و نوشته شده است. ضبط برخی اسامی در نسخه‌ی معراج‌نامه، نشان می‌دهد باوجود برخی نارسایی‌ها در خط اویغوری برای نگارش واژگان فارسی و عربی، ضبطی نزدیک به متن اصلی تذکره‌الاولیا است. برای نمونه ضبط تروغیدی در اینجا روغدی است که ضبطی اصح شمرده شده است (مجرد

۱۳۹۷: ۱۱۴) از این رو به نظر می‌رسد متن اصلی که در بخش دوم نسخه‌ی شماره‌ی ۱۹۰ turc فرانسه ترجمه شده نیز براساس نسخه‌ای کهن و پیش از سده‌ی نهم بوده است. مقابله‌ی متن ترجمه اویغوری<sup>۱</sup> با نسخه‌های فارسی تذکره‌الاولیا نیازمند پژوهش است.<sup>۲</sup> "نون" آخر، دندان‌های است که یک نقطه روی آن، تفاوتش را با سایر حروف مشابه مانند "ای (ی)" نشان می‌دهد. "نون" در آخر کلمه کشیده می‌شود که به "کاف" آخر کلمه هم شبیه می‌شود. "میم" در آخر کلمات به "میم" خط نسخ عربی و فارسی شباهت پیدا می‌کند (تصویر شماره‌ی ۸). از دیگر حروفی که بین شکل عربی و اویغوری آن مشابهت زیادی وجود دارد، حرف "ای" است که به شکل عربی آن می‌ماند. (مخصوصاً در کتیبه‌های طراحی شده مثل جدول عارفان در تذکره‌الاولیا) در کتابت "او" منفرد اویغوری شبیه "واو" عربی شده است (نیز نگاه کنید به تو در توکادی در نسخه‌ی ابن عرب‌شاه، تصویر شماره‌ی ۴). کتابت اویغوری براساس خط نسخ و در مواردی براساس خط ثلث انجام گرفته است. همان‌طور که گفته شد، از آنجا که برای برخی از حروف فارسی و عربی علامتی در این خط وجود ندارد، از نوشتارهای کمکی فارسی (عربی) در کنار برخی حروف که از نظر شکل مشابه است و موجب اشتباه خواننده می‌شود، استفاده می‌کند. غالباً حروف کمکی مانند ح / ق / ش / خ / ط در کنار کلمات نوشته شده است. در نسخه‌ی معراج‌نامه‌ی<sup>۳</sup> میرچیدر بخش‌هایی از کتیبه‌ها که در سرلوح‌ها و یا جدول نام عرفا آمده مانند نمونه‌های کوفی و یا ثلث دوره تیموری با سفیدآب نوشته شده و قلم‌گیری شده و به عبارتی طراحی شده است. قلم نگارش فرمان‌های به خط اویغوری کمی درشت‌تر است و ظرافت خط نسخه‌ها را ندارد و پرپیچ و تاب‌تر است. نسخه‌های خطی که به خط اویغوری برجای مانده، بیش از دو سده پس از تاریخ فرمان‌های اویغوری، هنوز کتابت می‌شد و برخی از حروف در اشکال جدیدتر کمی تغییر کرده است (مثل د / ت) از آنجا که تمامی حروف خط اویغوری می‌تواند میان کلمه واقع شود و به عبارتی همه‌ی حروف به حروف دیگر می‌چسبد کلمات طولانی را می‌توان با یک بار قلم‌گذاری نوشت. برخلاف زبان فارسی که حروفی مثل "ر / ز" و یا "دال" به حروف بعد از خود نمی‌چسبد. اما گاهی کاتبان، کلمه‌ای را که در زبان عربی هم تقریباً چسبیده است، به چند بخش مجزا تقسیم کرده‌اند (مانند مرتعش در جدول نام عرفا) حرفی مانند: **یا**، به هر دو صورت چسبیده و

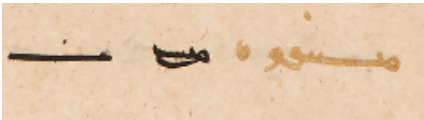
۱ - در همین زمان ترجمه‌های عربی از تذکره‌الاولیا هم کتابت شده‌اند مانند نسخه‌ی دانشگاه شماره ۳۳۷ از ۸۶۹ قمری

۲ - ماتسومی تذکره‌الاولیا را به ژاپنی ترجمه و منتشر کرده است (Matsumi, ۲۰۰۷)

۳ - مولف در صفحه اول نسخه‌ی آن را معراج‌نامه نامیده است و گفته از کتابی به نام *نهج‌الفرادیس* به ترکی در آورده است. اما محققان غربی نسخه‌ی دوم آن را *نهج‌الفرادیس* نامیده‌اند. (رک: خودداری نایینی، ۱۳۹۹)



گاهی جدا نوشته شده است (تصویر ۱۴)

<p>اثر شماره ۱۵/۲۰۱۲، Inv. no. مجموعه دیوید، سده‌ی نهم</p>	<p>مجموعه‌ی شماره‌ی ۱۹۰، turc. کتابخانه ملی فرانسه، سده‌ی نهم ق، برگ شماره ۳ رو</p>
	
<p><b>تصویر شماره ۱۴:</b> مقایسه‌ی کتابت دو عبارت <u>تانگری</u> <u>تعالی</u> به معنی <u>خدای تعالی</u>، حرف <u>یا</u> می‌تواند به <u>را</u> بچسبد و می‌تواند جداگانه نوشته شود.</p>	

حرف "قاف" از اضافه کردن دو نقطه بالای "س" و حرف "شین" از اضافه کردن دو نقطه پایین سین حاصل شده است. اما گاهی "قاف" تنها با دو دندانمانند "ح/ه" نوشته شده که دو نقطه روی آن گذاشته شده است (مثلاً مقایسه کنید حرف "قاف" و "ها" را در یعقوب نهرجوری) از این رو می‌توان برخی کلمات مانند "بارور" (به معنی: می‌دهد) را "ویرور" نیز خواند. قرائت نادرست "باقر" به جای "فقیر" از طرف بارتلد (خودداری نایینی، ۱۳۹۹: ۱۱۸) در انجامه‌ی نسخه‌ی یزد نیز از این دست است.

### نتیجه

خط اویغوری مورد استفاده در نسخه‌های ایرانی، الفبایی محدود دارد. بسیار وابسته به خط فارسی/عربی است، حروف مشابه زیادی دارد که باعث می‌شود خواندن کلمه، پس از فهم کلمه اتفاق بیفتد. برخی از حروف اویغوری در نگارش، به حروف عربی شبیه می‌شود مانند "میم" در آخر یا "نون" در وسط یا او در آخر کلمه. وجود کلمات فراوان از زبان فارسی که اصل عربی دارند و متکی به تفاوت‌های حروف قریب‌المخرج هستند، در زبان ترکی خوارزمی یا شرقی، خط اویغوری را ناچار به استفاده از الفبای فارسی در کنار برخی از این کلمات کرده است. علاوه بر علامت واحد برای چند حرف، برخی حروف در نوشتار، ممکن است به هم شبیه شوند، مثلاً ت / ط که بالای کرسی نوشته می‌شود، در دست‌خط‌ها با ب / ف / پ که رو و پایین کرسی نوشته می‌شود، به هم شبیه شوند. بین حروف مستقل نیز شباهت‌هایی وجود دارد که ممکن است به جای هم خوانده شود. مخصوصاً گمان می‌رود که در دوره‌ی مغول، عموم مردم از نوشته‌های اویغوری مسکوکات، بی‌اطلاع بودند و از این‌رو برخی اطلاعات (مانند نام سلطان) به فارسی روی سکه نوشته شده است. وجود رساله‌ای در مورد آموزش خط و دبیری اویغوری نشان می‌دهد، دیوان‌سالاران ایران در ابتدای دوره تیموری به آموزش خط اویغوری می‌اندیشیدند. به علاوه نشان می‌دهد گرچه کاتبان نسخه‌های به جای مانده، بخش‌های مسلمان شده هستند، استفاده از این خط در سده‌ی نهم (ه.ق) از انحصار آنها خارج شده اما عمومیت نیافته است.

بررسی رساله و نیز شواهد تاریخی دیگر به سه دلیل برافتادن این خط اشاره می‌کند:

- ۱- انقراض دولت تیموریان: چنانکه دیده می‌شود بیشتر نسخه‌های نفیس کتابت شده با خط اویغوری به شاهزادگان و حاکمان سده‌ی نهم تعلق دارد.
- ۲- مشکلات ناشی از خواندن این خط: استفاده‌ی عموم مردم از زبان فارسی و غرابت آنها با زبان ترکی، بر این دشواری افزوده است. با وجود این که اعراب این خط، درون کلمه بود، نیازمند الفبا و اعراب عربی بود.
- ۳- فقدان پشتوانه‌ی تاریخی خطوط فارسی یا عربی در خط اویغوری و نیز رواج خط نستعلیق و بالندگی آن به شکلی که زوال خط اویغوری با رواج هنری خط نستعلیق هم‌زمان شده است. مهم‌تر آنکه زبان و دیوان‌سالاری ایرانی نیز پشتوانه‌ای برای خط فارسی بود که برای خط ناقصی چون اویغوری مجال رقابت نمی‌گذاشت.

## منابع

۱. ابن عرب شاه احمد ابن محمد (۱۳۵۶)، زندگانی شگفت‌آور تیمور (ترجمه‌ی کتاب عجایب المقذور فی اخبار تیمور) ترجمه محمد علی نجاتی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
۲. \_\_\_\_\_ (۲۰۰۸) عجایب المقذور فی نوایب تیمور، تحقیق سهیل زکار ناشر التکوین دمشق
۳. آتابای، بدری (۱۳۵۵: ۲۵۳۵) فهرست دیوان‌های خطی (جلد دوم)، چاپخانه زیبا، تهران
۴. آذری، علاء‌الدین (۱۳۴۸) روابط مغول‌ها با دربار واتیکان، بررسی‌های تاریخی، س ۴، (مهر - آبان) شماره ۴
۵. اذکابی، پرویز. (۱۳۴۸) "رساله خط در بیان کاغذ و رنگ‌های الوان و نگاره‌ها و ترکیب مرکب و قلم و خط اوهل، از مجموعه آقارضی قزوینی". هنر و مردم، دوره ۸، ش ۸۵ (آبان ۴۸): ص ۵۱-۵۷.
۶. ترابی طباطبایی جمال ۱۳۵۱ رسم‌الخط اویغوری و سیری در سکه شناسی، موزه آذر بایجان
۷. خودداری نایینی، سعید (۱۳۹۹) سیر تاریخی کاربرد خط اویغوری در نسخه‌های خطی ایرانی، مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۴۱، ۱۰۹-۱۳۴
۸. دانشنامه جهان اسلام (۱۳۹۲) ج ۱۳ ذیل: « بیتیکچی » بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران
۹. دانشنامه جهان اسلام (۱۳۹۲) جلد ۱، ذیل: « ترکی ادبیات » بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران
۱۰. دانشنامه جهان اسلام (۱۳۹۲) جلد ۱، ذیل «خط»، بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران
۱۱. دانشنامه جهان اسلام (۱۳۹۲) جلد ۱، ذیل «بایزید» بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران
۱۲. دانشنامه جهان اسلام (۱۳۹۲) جلد ۱، ذیل «ترجمان» بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران
۱۳. دانشنامه جهان اسلام (۱۳۹۲) جلد ۴، ذیل «بخشی» بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران
۱۴. درایتی مصطفی (۱۳۹۰) فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنا) تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران
۱۵. سراج شیرازی، یعقوب بن حسن (۱۳۷۶) تحفه المحبین (درآیین خوشنویسی و لطایف معنوی آن) به اشرف محمدتقی دانش پژوه و کوشش کرامت رعنا حسینی و ایرج افشار، تهران: میراث مکتوب
۱۶. عطار (۱۳۸۷) تذکره الاولیاء، تصحیح احمد آرام، انتشارات گنجینه، تهران
۱۷. گلچین معانی احمد (۱۳۴۱) یک رساله نفیس و کهنسال هنری نشریه دانشکده ادبیات تبریز ۲۷۸-۳۱۰
۱۸. مایل هروی (۱۳۷۲) کتاب آرایبی در تمدن اسلامی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد
۱۹. مجرد، مجتبی (۱۳۹۷) کارکرد منابع جانبی در نقد متون با تکیه برنق ولی نامه در تصحیح تذکره‌اولیای

## ۱۶۸ سخن تاریخ / سال شانزدهم، شماره ۴۰، زمستان ۱۴۰۱

عطار، فصلنامه متن شناسی ادب فارسی، معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان سال پنجاه و چهار، دوره جدید، سال دهم (پیاپی سه شماره ۳۹، پاییز ۱۳۹۷)، صص ۱۰۹-۱۲۰

### منابع منتشر نشده:

۲۰. ابن عربشاه، عجایب المقذور فی نواب التیمور، نسخه‌ی شماره‌ی ۱۵۰۹، کتابخانه مجلس، سده نهم ق.
۲۱. جنگ عبدالله سلطان، کتابخانه کاخ گلستان شماره‌ی ۲۱۸۱
۲۲. رساله در خط ترکی، کتابخانه مجلس شماره ۳۱۲۱
۲۳. رساله‌ی فلکیه، مازندرانی، کتابخانه مجلس، نسخه‌ی شماره‌ی ۶۵۴۱
۲۴. نسخه‌ی مجموعه اویغوری (معراج‌نامه و تذکره‌الاولیا) کتابخانه ملی فرانسه شماره‌ی ۱۹۰ turc
۲۵. یرلیغ معافیات مالیاتی کوهک فارس از دوره ایلخانی، سند شماره ۹۸۸/۱۴۴۴، مورخ ۷۲۶ قمری، سازمان اسناد و کتابخانه ملی

26. Clauson Gerard (Sir) (1962), Turkish and Mongolian Studies. *Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, Vol 20, Brill: Netherland
27. Clauson Gerard (1972) *An Etymological Dictionary of Pre-Thirteenth-Century Turkish*, Oxford: Clarendon Press.
28. De Courteille, Pavet, *Mirāḍi-Nāmeḥ*, publié d'après le manuscrit [ouïgour](#), traduit et annoté, Paris, E. Leroux, 1882.
29. De Courteille, Pavet *Tezkereh-i-Evliā. Le Mémorial des Saints*, translated from the Uighur manuscript of the Bibliothèque nationale, Paris, 1889-90 (2 vol.).
30. Julia Gonnella, Friederike Weis, Christoph Rauch (2016) *The Diez Albums, Contexts and Contents*, Brill, 2016
31. Matsui, Dai & Ryoko Watabe & Hiroshi Ono (2015). "A Turkic-Persian Decree of Timurid Mīrān Šāh of 800 AH/1398 CE". *Orient*, Vol. 50: 53-75
32. Rossabi, Morris (1988) *Khubilai Khan: His Life and Times*, University of California Press, Berkeley.
33. Matsumi, Sugahar [菅原 睦] (2015) 'A Middle Turkic *qaṣīda* in the Uyghur script', *Area and Culture Studies* 91, Tokyo University of Foreign Studies, pp. 113-141
34. Tazkira-yi Awliya in the Uyghur Script: Part I. Introduction and Text in transcription, Department of Communication Studies, Kobe City University of Nursing, 2007